**لوح ششم** که بافتخار احبّاء و اماء رحمن ايالات متّحده و کانادا بعد از ظهر پنجشنبه ٨ مارچ سنه ١٩١٧ در بالا خانه اسمعيل آقا در بيت مبارک حيفا از فم مرکز ميثاق صادر گشت.

**هُو اللّه**

ای نفوس آسمانی و ابناء و بنات ملکوت، خداوند در قرآن ميفرمايد ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ هر چند در عالم امکان جهت جامعه بسيار که سبب الفت و اتّحاد بين بشر است مثلاً وطنيّت جهت جامعه است، ملّيّت جهت جامعه است، اتّحاد منافع جهت جامعه است، وحدت سياسيّه جهت جامعه است، وحدت افکار جهت جامعه است و سعادت عالم انسانی بتأسيس و ترويج جهت جامعه است ولکن جميع اين تأسيسات فی الحقيقه اعراض است نه جوهر مجاز است نه حقيقت زيرا موقّت است نه مؤبّد چون موانع و وقايع عظيمه حاصل گردد اين جامعيّتها بکلّی از ميان برود امّا جهت جامعه ملکوتی يعنی تأسيسات و تعليمات الهی جهت جامعه ابديست شرق و غرب را بهم ارتباط دهد، وحدت عالم انسانی تأسيس نمايد، بنيان اختلاف براندازد، بر جميع جامعيّتها غلبه کند، مانند شعاع آفتاب ظلمات مستولی بر آفاقرا بکلّی ازاله نمايد، حيات معنوی بخشد، نورانيّت الهی جلوه نمايد، نفثات روح القدس معجزات آشکار کند، خاور و باختر دست در آغوش يکديگر شود، جنوب و شمال هم عنان و هم افکار گردد، مقاصد متضادّه متعارضه نماند، نوايای مختلفه از ميان برخيزد، منازعه بقا زائل گردد، خيمه وحدت عالم انسانی در قطب امکان سايه افکند پس جهت جامعه تعاليم الهيست که جامع جميع مراتب است و شامل عموم روابط و ضوابط ضروريّه ملاحظه کنيد که اهل شرق و غرب در نهايت بيگانگی بودند حال چگونه آشنائی و يگانگی جستند اهل ايران کجا و اقصی بلاد امريکا کجا ببينيد که قوّه آسمانی چه نفوذ عظيمی دارد که مسافت هزار فرسنگها حکم يک قدم يافته و شعوب مختلفه را که هيچ مناسبت و مشابهت بهمديگر ندارند چگونه ارتباط و اتّحاد داده است للّه القدرة من قبل و من بعد انّ اللّه علی کلّ شیء قدير.

ملاحظه مينمائيد که باران و حرارت و ضياء شمس و لطافت نسيم چون جمع شود چه گلستانها تشکيل نمايد اين رياحين و گلها و اشجار و گياههای مختلفه را چگونه بيکديگر ارتباط دهد و سبب زينت و حلاوت يکديگر نمايد حال وحدت فيض آفتاب و وحدت باران و وحدت نسيم چنان غلبه نموده که اين اختلاف الوان و روائح و طعمها سبب زينت و لطافت و حلاوت کل گشته و همچنين جهت جامعه الهی و فيض شمس حقيقت و نفثات روح القدس چون جمع گردد اختلاف شعوب و اختلاف اقاليم سبب رونق و زينت و حلاوت عالم انسانی گردد لهذا احبّای الهی بايد در عموم اقاليم امريکا بقوّه الهی سبب ترويج تعاليم آسمانی و تأسيس وحدت انسانی گردند تا هر يک از نفوس مهمّه قيام نمايند و در اطراف امريک نفحه حيات بدمند و جانی جديد بنفوس بخشند و بنار محبّت اللّه و ماء حيات و نفثات روح القدس نفوس را تعميد دهند تا ولادت ثانويّه تقرّر يابد در انجيل ميفرمايد [ المولود من الجسد جسد هو و المولود من الروح فهو روح ].

پس ای احبّای الهی بلاد متّحده و کانادا، نفوس مهمّه‌ئی انتخاب نمائيد و يا خود منقطع از راحت و آسايش دنيا شده بنفسه قيام نمايند و باقليم الاسکا و جمهوری مکزيکو و در جنوب مکزيکو يعنی امريکای مرکزی مثل گواتمالا، هوندوراس، سالوادر، نيکاراگو، کستاريکا، پاناما و بليز و قطعه عظيمه امريکای جنوبی، مثل ارژنتينا، يوروگوای، پاراگوای، برزيل، فرنچ گينا، دچ‌گينا، بريتيش گينا، ونزوئلا، کلمبيا، اکوادر، پرو، بولی ويياء، چيلی و دسته جزائر وست انديز، مثل کوبا، های تی، پورتوريکو، ژاميکا و سانتا دومينگو و دسته جزائر لسر انتيليز و جزائر باهاما و جزائر برمودا و جزائر شرق و غرب و جنوب امريکای جنوبی مثل ترنيداد، فالکلند ايلندز، کالاپاگو ايلندز، جوان فرناندز و توباگو سفر نمايند علی الخصوص در مدينه بهائيّه که در ساحل شرقی برزيل واقع است چون در قرون ماضيه اساساً اين شهر به بهائيّه موسوم گشته هيچ شبهه‌ئی نيست که بالهام روح القدس بوده لهذا احبّای الهی بايد نهايت همّت را مبذول دارند وآهنگ الهی را در آن اقاليم بلند کنند و تعاليم آسمانی ترويج دهند و روح حيات ابدی بدمند تا آن کشور از پرتو فيوضات شمس حقيقت چنان روشن گردد که محسود و غبطه جميع اقاليم گردد.

و همچنين جمهوری پاناما زيرا در آن نقطه خاور و باختر با يکديگر اتّصال يافته و در ميان دو محيط اعظم واقع اين موقع در مستقبل بسيار مهمّ هر تعاليم که در آنجا تأسيس يابد شرق و غرب و جنوب و شمال را بيکديگر ارتباط دهد پس بايد نيّت را خالص نمود و همّت را بلند کرد و قلوب عالم انسانی را بيکديگر الفت داد و اين مقصد جليل جز بترويج تعاليم الهی که اساس اديان مقدّسه است ممکن نه.

ملاحظه کنيد که اديان مقدّسه چه خدمتی بعالم انسانی کرد دين توراة سبب عزّت و بزرگواری و ترقّی جمهور اسرائيل گشت نفثات روح القدس حضرت مسيح چگونه بين اقوام و طوائف مختلفه متنازعه الفت و اتّحاد بخشيد و قوّه قدسيّه حضرت محمّد چگونه سبب اتّحاد و اتّفاق قبائل و عشائر مختلفه متقاتله در جزيرة العرب گرديد که هزار عشيرت حکم عشيرت واحده يافت و جميع نزاع و جدال از ميان رفت کلّ متّحداً متّفقاً در ترقّيات مدنيّه کوشيدند و از ذلّت کبری رهائی يافته بعزّت ابديّه رسيدند آيا هيچ جهت جامعه‌ئی اعظم از اين در عالم وجود ممکن است؟ در مقابل اين جهت جامعه الهيّه جهت جامعه ملّيّت، جهت جامعه وطنيّت، جهت جامعه سياست و جهت جامعه افکار و آراء مثل ملعبه صبيان گردد. حال شما بکوشيد که جهت جامعه اديان مقدّسه که جميع انبيا مبعوث بآن گشتند و روح تعاليم الهيست در جميع اقاليم امريکا انتشار يابد تا هر يک مانند ستاره صبحگاهی از افق حقيقت بدرخشيد و نورانيّت الهيّه بر ظلمات طبيعيّه غلبه نمايد و عالم انسانی روشن گردد اين است امر عظيم اگر بآن موفّق شويد جهان جهان ديگر گردد و روی زمين بهشت برين شود و تأسيسات ابديّه گذاشته شود هر نفسی که باطراف بتبليغ رود در کوه و صحرا و خشکی و دريا دائماً اين مناجاة را تلاوت نمايد.

إلهي إلهي تَری ضَعْفِيْ وَذُلِّيْ وَهَوانِيْ بَينَ خَلقِكَ، مَعَ ذلِكَ تَوَكَّلْتُ عَلَيكَ وَقُمْتُ عَلی تَرْويجِ تَعاليمِكَ بَينَ عِبادِكَ الأَقوياءِ مُعْتَمِدًا علی حَولِكَ وَ قُوَّتِكَ، رَبِّ إِنَّ طَيْرًا كَلِيْلَ الجَناحِ أَرادَ أَن يَطِيْرَ في هذَا الفَضاءِ الَّذِی لا يَتناهی، فَكَيفَ يُمكِنُ هذا إِلا بِعَوْنِكَ وَعِنايَتِكَ وَتأييدِكَ وَتوفيقِكَ؟ رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفِي وَقَوِّني بِقُدرَتِكَ وَرَبِّ ارْحَمْ عَجْزِي، أَيِّدْنِي بِقُوَّتِكَ وَقُدرَتِكَ، رَبِّ لَو تُؤَيِّدُ بِنَفَثاتِ الرُّوْحِ أَعْجَزَ الوَری لَبَلَغَ المُنی وَتَصَرَّفَ كَيفَ يَشاءُ كَما أَيَّدْتَ عِبادَكَ مِنْ قَبْلُ، وَكانُوا أَعْجَزَ خَلقِكَ وَأَذَلَّ عِبادِكَ وَأَحْقَرَ مَنْ فِي أَرضِكَ وَلكِن بِعَوْنِكَ وَقُوَّتِكَ سَبَقُوا أَجِلاءَ خَلقِكَ وَأَعاظِمَ بَريَّتِكَ، وَكانُوا ذُبابًا فَاسْتَنْسَروا، وَكانُوا قُباعًا فاستبحروا بِفَضلِكَ وَعنايتِكَ، وَأَصْبَحُوا نُجُومًا ساطِعَةً فی أُفُقِ الهُدی، وَطُيُورًا صادِحَةً فی أَيْكَةِ البَقاء، وَأُسُودًا زائِرَةً فی غياضِ العِلم وَالنُّهی، وَحيتانًا سابِحَةً فی بُحُورِ الْحَياةِ بِرَحمَتِكَ الكُبری، إِنَّكَ أَنتَ الكَريمُ القَويُّ العَزيزُ الرّحمنُ الرَّحيمُ. (عبدالبهاء عبّاس)